

کاش ما هم خانه‌ای داشتیم

www.ketab.ir

- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : ویلالوبوس، خوان پابلو، ۱۹۷۳ - م. Villalobos, Juan Pablo
- مشخصات نشر : کاش ما هم خانه‌ای داشتیم / خوان پابلو ویلالوبوس
مشخصات ظاهری : تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۹۹.
شابک : ۱۸۶ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
وضعیت فهرست نویسی : ۷-۶۲۷۰۶۲۲-۶۷۸
- یادداشت : فیپا
یادداشت : Si vivie'ramos en un lugar normal, 2013
یادداشت : کتاب حاضر از عنوان انگلیسی اثر «Quesadillas» به فارسی ترجمه شده است.
- موضوع : داستان‌های مکزیکی -- قرن ۲۱ م.
شناسه افزوده : یغمایی، بهمن، ۱۳۲۴ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره : ۴۳۴/PQ۷۲۹۸
رده‌بندی دیویی : ۷/۸۶۳
شماره کتابشناسی ملی : ۷۲۷۵۹۳۷

کاش ما هم خانه‌ای داشتیم

خوان پابلو ویلاوبوس

بهمن یغمائی

چاپ اول: مهرماه ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ: نقطه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۶۷۰۶۲-۷



مؤسسه انتشارات نگاه

حق چاپ محفوظ است.

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری

بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵

تلفن: ۱۲-۶۶۹۷۵۷۱۱، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

فروشگاه: خیابان کریمخان، بین ایرانشهر و ماهشهر، پلاک ۱۴۰

تماس: ۸۸۴۹۰۱۳۸-۸۸۴۹۰۱۹۵

negahpub1@gmail.com

www.negahpub.com negahpub newsnegahpub

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۱۷	فحاشان حرفه‌ای
۴۷	لهستان هیچ‌جا نیست
۷۳	مردان کوچک خاکستری
۹۵	بهترین کسادی
۱۱۹	لهو و لعب گاوها
۱۴۳	عدالت برای لاگوس
۱۶۷	این خانه من است

پیشگفتار

کتاب کاش ما هم خانه‌ای داشتیم که رزالیند هاروی آن را با عنوان کسادیا ترجمه کرده، در همین رمان خوان پابلو ویلاوبوس، نویسنده مکزیکی، است؛ کتابی نامعمول و مهم که باید خواند.

نویسنده که بدون شک از غول‌های ادبیات امریکای لاتین چون خوان رولفوی مکزیکی و گابریل گارسیا مارکز کلمبیایی الهام گرفته و تا حدودی پیرو همان سبک ادبیات جادویی امریکای لاتین است، اوضاع سیاسی مکزیک، تقلب در انتخابات و فساد گسترده را با زبانی طنز و توأمان دردآور بیان می‌کند. او که نوشتن داستان طنز را یکی از برنده‌ترین سلاح‌ها برای نشان دادن واقعیت انتخاب کرده، به خوبی به چنین هدفی رسیده است. این داستان که بدون شک بخش‌هایی از آن تخیلی است، واقعیت تلخ کشورهای استبدادزده را نشان می‌دهد. در این کتاب مبارزه طبقاتی در شهری دورافتاده در جامعه‌ی دچار دیکتاتوری به تصویر کشیده شده است.

ماجرا در مکزیک اتفاق می‌افتد؛ کشوری که از سویی بهشت

قاچاقچیان، تبهکاران و فاسدان است و باندهای قدرت و تازه به دوران رسیده‌ها از آنها حمایت می‌کنند و از طرف دیگر جهنمی است برای گروه‌های بسیاری از طبقات فرودست جامعه، بیکاران و بی‌خانمان‌ها. در این جامعه گروه‌های فاشیستی مطیع قدرت فرادستان فرودستان را با خشونت و قساوت سرکوب می‌کنند.

ویلاوبوس، نویسنده داستان، که در سال ۱۹۷۳ در مکزیک به دنیا آمد دیگر در آن کشور زندگی نمی‌کند؛ کشوری که در اندیشه اکتاویو پاز «سرزمینی است تهیدست با مردمانی از خاک و نور، با خیابانی و دیواری، و انسانی خاموش، ایستاده در برابر دیوار... که در حقیقت سرزمینی در کار نیست، جز خاک و تصویرهایش؛ خاک و نوری که در گذر زمان می‌زید...»

ویلاوبوس که اینک در برزیل ساکن است مکزیک را «کشوری نکبت‌بار» می‌نامد که همواره گرفتار ارتشای سازمان‌یافته‌ای است. او می‌نویسد و زبان اسپانیایی تدریس می‌کند. سبک نوشتاری اش ادبیات انتقادی است، با داستان‌هایی کوتاه. همچنین منتقد فیلم است و اولین اثر او، لانه خرگوش را خراب کن، به ۱۵ زبان ترجمه شده است.

رمان کسادیا یا کاش ما هم خانه‌ای داشتیم ماجرای پسر ۱۳ ساله فقیری است در کشوری در حال انحطاط. نویسنده که توانایی فوق‌العاده‌ای در شناخت جامعه دارد، دست به انتقاد اجتماعی و سیاسی می‌زند. کتاب او را می‌توان تقلیدی از مضحکه و رئالیسم جادویی مختص امریکای لاتین دانست و در نهایت آن را به یک

تراژدی یونانی تشبیه کرد که ویژگی‌های سنتی خانواده‌ای را بیان می‌کند که در حال فروپاشی است. پدر که معلم مدرسه است پیوسته به سیاستمداران فاسدی که در تلویزیون ظاهر می‌شوند غر می‌زند، فحش می‌دهد و زندگی در این کشور را عقوبت می‌داند، درحالی‌که پسرش، ارسطو، نمی‌خواهد کسی را در کسادی‌هایی که مادر درست کرده سهیم کند.

اورستس، پسر ۱۳ ساله این خانوادهٔ پرجمعیت که در شهری روستایی، کوچک و دورافتاده در مکزیک زندگی می‌کنند، غذای کسادی را دوست دارد، اما می‌داند هر لقمهٔ آن را باید با مبارزه به دست آورد. او شش همزاد دارد و باید قبل از این که این شش نفر بر سرش بریزند، سهم خودش را بداند. در این کتاب، اورستس است که ماجراهای این خانواده را بیان می‌کند و شرح می‌دهد چگونه خانواده‌اش برای زنده ماندن در فضای سیاسی حزب حاکم پی‌آرای و دیکتاتوری پردسیسه‌اش تلاش می‌کنند. دسیسه‌ای که گروه‌هایی از مردم نیز به نحوی فریب خورده‌اند و در آن شریک شده‌اند. به قول ماریا بارگاس یوسا، نویسندهٔ پرویی و برندهٔ جایزه نوبل ۲۰۱۰، دیکتاتورها بلایای طبیعی نیستند. آنها با همدستی خود مردم رشد می‌کنند و اتفاقاً قربانیان خود را از میان همان مردمی برمی‌گزینند که آنها را به قدرت رسانده‌اند. خود نویسنده نیز به نوعی مردم را گوشتِ دم توپ می‌داند.

منتقدان ادبی دربارهٔ این کتاب اظهارنظرهای متفاوتی کرده‌اند: درام مکزیکی و تراژدی بیهودگی یونانی که در آن بیشتر واقعیات خشن جامعه به استهزا و تمسخر بیان می‌شود.